

چرا ایالات متحده باید دهانش را ببندد؟!

درباره نسبت آمریکا و حقوق بشر

اشسک‌آور در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۱ میلادی، دستگیری بیش از ۱۰۰ نفر از معترضان در نخستین سالگرد جنبش اعتراضی اشغال‌وال‌استریت و درگیری شدید بین معترضان و نیروهای پلیس در اطراف خیابان‌وال‌استریت در ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۲ میلادی و... همگی نشانگر نقض آزادی بیان و نقض اصل آزادی تجمعات است که مطابق همان موازین حقوق بشری که اشاره شد توسط غرب پذیرفته شده است، انجام شد.

■ حق رأی آزاد شهروندان

یکی از آخرین اقداماتی که در راستای نقض حق رای شهروندان در آمریکا انجام شده است، اقداماتی است که طی سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ انجام شد؛ زمانی که ایالات متحده قوانینی برای دسترسی به ایستگاه‌های رای‌گیری در ایالت‌های تگزاس، ویسکانسین، کارولینای جنوبی، کانزاس، آلاباما، می‌سی‌سی‌پی، رودآیلند، پنسیلوانیا، نیوهمپشایر، ویرجینیا، تنسی و فلوریدا به تصویب رساند. به موجب این قانون، «رای‌دهندگان باید کارت شناسایی خود را موقع رأی‌گیری نشان دهند. مدافعان حقوق بشر تصویب این قوانین را «حمله به دموکراسی» و تلاش برای تضعیف حق رأی اقلیت‌ها، مردم فقیر ایالات متحده آمریکا و تحدید حقوق رأی‌دهندگان قلمداد می‌کنند.

■ نقض حقوق رنگین‌پوستان در آمریکا

یکی دیگر از مصادیق نقض حقوق بشر در آمریکا نقض حقوق رنگین‌پوستان است. نژادپرستی علیه سیاهپوستان، امتناع از اخذ رای از برخی رنگین‌پوستان (به طور خاص برخی سیاهپوستان)، تبعیض شغلی علیه سیاهپوستان و گسترش فقر علیه این طبقه، تبعیض نژادی در سیستم‌های آموزشی و تحصیلی و... از مصادیق این تبعیض‌ها علیه رنگین‌پوستان بوده است. تظاهرات‌های متعدد در ایالات جنوبی آمریکا که هر بار به دلیل مرگ یک سیاهپوست توسط پلیس فدرال این کشور انجام می‌شود، هر از گاهی موضوع سیاهان را به مرکز توجه بین‌المللی درباره این کشور سوق می‌دهد.

برای مثال تنها بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ میلادی، بیش از ۶۰ درصد از تقاضاهای تحصیلی سیاهپوستان برای ورود به دانشکده‌های حقوق آمریکا پذیرفته نشده و البته این آمار درباره متقاضیان سفیدپوست تنها ۳۴ درصد است.

■ نقض آزادی مذهبی و اعمال تبعیض علیه مسلمانان

با وجود آنکه مسلمانان تنها کمتر از یک‌سوم پیروان دین یهود در آمریکا، یعنی کمتر از ۰/۶ درصد جمعیت شهروندان آمریکایی را تشکیل می‌دهند اما بیشتر از ۱۴ درصد از پرونده‌های شکایت از رفتار نامناسب و تبعیض دینی و یک‌چهارم از پرونده‌های شکایت از تبعیض شغلی از سوی مسلمانان است.

■ نقض حریم شهروندی در آمریکا

یکی از مصادیق حقوق بشر، پاسداشت امنیت شهروندی و حریم شهروندی است اما مروری بر رفتارهای ۲ دهه‌ای آمریکا و بویژه وضع قانون پاتریوت (که اوج نقض قوانین حقوق شهروندی است) نشان‌دهنده این است که دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی این کشور چندان کارنامه موثقی در این‌باره از خود باقی نگذاشته‌اند. برای مثال، اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا در گزارش ماه دسامبر سال ۲۰۱۱ خود اعلام کرد ایالات متحده برای جمع‌آوری اطلاعات از شهروندان خود، از هواپیماهای جاسوسی استفاده می‌کند؛ گزارش‌های به‌دست‌آمده بیان می‌کنند به طور میانگین، در هر روز ۳۰۰ تصویر با کلیپ تصویری از هر شهروند آمریکایی گرفته می‌شود و... علاوه بر مصادیق فوق می‌توان به وجود زندان‌های وحشتناک در این کشور، زندان‌های سیار، زندان‌هایی که به صورت روان در دریا مستقر هستند و... نیز اشاره کرد. بر شمردن این مصادیق نقض حقوق بشر، به عنوان بخشی از مصادیق نقض این حقوق نشان‌دهنده آن است که این کشور که ادعای حمایت از حقوق بشر دارد، خود جزو ناقضان این حقوق محسوب می‌شود.

بیش از ۷۰۰ نفر از معترضان توسط پلیس نیویورک به بهانه انسداد و ایجاد ترافیک روی پل بروکلین در اول اکتبر ۲۰۱۱ میلادی دستگیر شدند. پلیس نیویورک طرفداران جنبش اشغال‌وال‌استریت را که در چادرهایشان اعتراض کرده بودند، اخراج و ۱۵ نوامبر ۲۰۱۱ میلادی، بیش از ۲۰۰ نفر از آنها را دستگیر کرد. دستگیری حدود ۳۰۰ نفر از معترضان اشغال‌شیکاگو در عرض ۲ هفته توسط پلیس شیکاگو، دستگیری حداقل ۸۵ نفر از معترضان و متحصنان در چادر در اوکلند و کالیفرنیا با استفاده از باتوم برقی و گاز

چارچوب منشور ملل متحد به دنبال رسیدن به حقوق بشر هستند، ملازم با اصول تفکر غربی سازماندهی شده است که این مقوله اعتراضات شدید کشورهای دیگر را درباره یک‌طرفه بودن خاستگاه و هدف این حقوق در برداشته است، چرا که این کشورها معتقدند در هنگام وضع این حقوق سهمی از تنظیم این حقوق بر اساس ارزش‌ها و باورهای آنها وجود نداشته است.

■ سوم: مدعیان حقوق بشر به اصول اومانیتیستی خود نیز پایبند نیستند

با وجود این، حتی حقوق بشر ادعایی غرب، چنانچه بر اساس ارزش‌های مسلط بر جامعه «اومانیتیستی»، «آنتیستی» و «لائیسیته» غربی تنظیم و تسبیق شده، نیز مورد توجه عملیاتی کشورهای غربی قرار نگرفته است، بلکه برداشتی از حقوق بشر که به قوام و دوام قدرت در نظام سرمایه‌داری مطابق شاخص‌های معرفت‌شناسی دموکراسی منجر شده، مورد توجه نخبگان فکری-اجرائی آن بوده است. یعنی این قدرت بوده که معیار عمل کشورهای غربی است، نه موازین مندرج در اعلامیه‌ها و منشور ملل متحد، یا آنچه در کنوانسیون‌ها آورده شده است. البته خیلی از مواقع هم تحت تأثیر فشار افکار عمومی و برخی نهاد‌های بین‌المللی مجبور به رعایت موازین حقوقی شده‌اند.

■ برخی مصادیق نقض حقوق بشر در آمریکا

با این حال نگاهی به عملکرد مدعیان حقوق بشر به عنوان کشورهای مهد آن و ادعاهای این مدعیان درباره حقوق بشر مشخص می‌کند که آیا کشورهایی که خود را مهد دموکراسی و حقوق بشر قلمداد می‌کنند، خود بر آنچه کوبیدن بر طبل حقوق بشر است، پایبند هستند یا خیر. در این‌ساره نگاهی به وضعیت حقوق بشر در آمریکا، انگلیس، کانادا و فرانسه بخوبی نشان‌دهنده فاجعه‌بار بودن وضعیت نقض اساسی پایه‌ای‌ترین حقوق موجود و به‌رسمیت شناخته شده برای انسان است. در اینجا به برخی از آخرین مصادیق نقض حقوق بشر در سال‌های اخیر در ایالات متحده آمریکا اشاره می‌شود.

■ جنبش وال‌استریت و نقض دموکراسی و آزادی برگزاری تجمعات در آمریکا

جنبش وال‌استریت موسوم به «وال‌استریت را اشغال کنید»، سال ۲۰۱۱ در آمریکا کلید خورد، جنبشی که معتقد بود ۹۹ درصد مردم آمریکا را در برابر یک درصد سرمایه‌دار تشکیل می‌دهد. این جنبش اهداف اعلامی متعددی از قبیل از بین بردن فقر، نابرابری اقتصادی و اجتماعی، تقابل با نفوذ لابی‌ها و شرکت‌های سرمایه‌داری بزرگ، سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا، وضعیت دانشجویان و... داشت. این جنبش بر آن بود که سرمایه‌داران یعنی همان یک درصد، در تلاشند رکود اقتصادی آمریکا را بر دوش همان ۹۹ درصد یعنی توده مردم بیندازند. مسؤولان و مقامات آمریکایی ابتدا اعلام کردند از این جنبش حمایت می‌کنند اما با گذشت زمان وقتی پای منافع ثروتمندان و سرمایه‌داران، بنگاه‌های صهیونیستی و سیستم‌های اقتصادی و سیاسی به میان آمد، این گروه کم‌کم مورد غضب آمریکایی‌ها قرار گرفت. نگاه قهرآمیز مسؤولان این کشور به این جنبش، مصداق نقض آزادی بیان در این کشور محسوب می‌شود و این موضوع به عنوان آزمونی برای عدم پابندی ایالات متحده به دموکراسی محسوب شد.

بیش از ۷۰۰ نفر از معترضان توسط پلیس نیویورک به بهانه انسداد و ایجاد ترافیک روی پل بروکلین در اول اکتبر ۲۰۱۱ میلادی دستگیر شدند. پلیس نیویورک طرفداران جنبش اشغال‌وال‌استریت را که در چادرهایشان اعتراض کرده بودند، اخراج و ۱۵ نوامبر ۲۰۱۱ میلادی، بیش از ۲۰۰ نفر از آنها را دستگیر کرد. دستگیری حدود ۳۰۰ نفر از معترضان اشغال‌شیکاگو در عرض ۲ هفته توسط پلیس شیکاگو، دستگیری حداقل ۸۵ نفر از معترضان و متحصنان در چادر در اوکلند و کالیفرنیا با استفاده از باتوم برقی و گاز

که عزمی برای بهبود عملکرد خود ندارند. همانطور که از عملکرد سال گذشته سازمان ملل انتظار می‌رفت، عربستان در فهرست شماره یک جای گرفته است. در حمله عربستان به یمن، تاکنون بیش از ۱۰ هزار نفر کشته شده‌اند. خبرگزاری آنا‌تولی ترکیه اخیراً بیان داشته «سازمان بهداشت جهانی در بیانیه‌ای با اشاره به شیوع بیماری وبا در یمن اعلام کرد از ۲۷ آوریل تاکنون در این کشور ۷۶۷ هزار و ۵۲۴ نفر به وبا مبتلا شده‌اند که از این تعداد ۲ هزار و ۱۲۷ نفر به دلیل ابتلا به این بیماری جان خود را از دست داده‌اند. براساس این بیانیه، شهر حدیده با داشتن حدود ۱۰۰ هزار فرد مبتلا به وبا، بیشترین آمار مبتلایان به این بیماری را در میان شهرهای یمن دارد. شهر حجه نیز با ۳۹۸ قربانی، بیشترین تعداد جان‌باختگان بر اثر ابتلا به وبا را به خود اختصاص داده است. گفتنی است ۳ میلیون شهروند آواره یمنی همه روز به دلیل ادامه جنگ، عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و عدم جمع‌آوری زباله‌ها با خطر ابتلا به بیماری وبا روبه‌رو هستند».

۲- جلوگیری از تبدیل شدن ایران به عنوان الگوی موفق از پیشرفت در زندگی اجتماعی

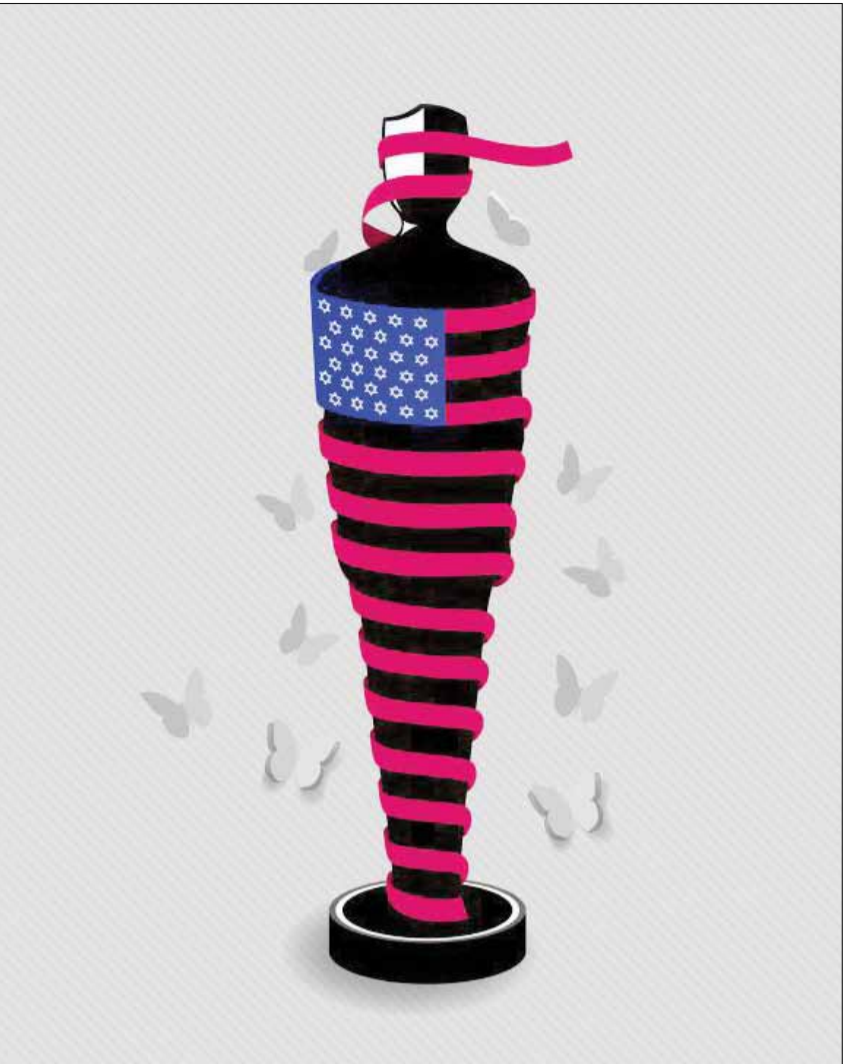
در تشریح دلایل خارجی باید توضیح داد طرح ادعاهای غرب صرفاً مطرح ادعاهایی بی‌پایه و بلکه مغرضانه علیه جمهوری اسلامی ایران برای دور کردن کشور از آرمان‌های خود است؛ تفکر و منظومه فکری-فلسفی که اساس منظومه حقوقی، سیاسی و اجتماعی غرب را با سؤالات فراوان مواجه کرده است و مدعی ارائه یک الگوی موفق برای زندگی اجتماعی است که حقوق مردم، خداوند، حاکمان و... هر یک جایگاه ویژه‌ای در آن دارند. بدیهی است غرب توان تحمل چنین مدلی از پیشرفت در تمام زمینه‌ها و ساحت‌های زندگی اجتماعی توسط یک کشور مسلمان را ندارد، الگویی که اتفاقاً با مقبولیت فراوانی نزد ملت‌های اسلامی و جهان سوم مواجه است. غرب تلاش دارد همان کاری را که در مواجهه با شوروی کرد، در مواجهه با ایران نیز صورت‌بندی کند. «ناصر اوشیریف» نماینده وقت جنبش جهاد اسلامی فلسطین در نشست بررسی وضعیت اسرا و مقاومت فلسطین در سایه بیداری اسلامی در منطقه، سال ۲۰۱۱ گفته بود: ایران امروز کشوری قدرتمند، در حال پیشرفت و رسیدن به قله‌های علمی و قدرت در منطقه بوده و غرب نیز در قبال ایران، جنگ اقتصادی در پیش گرفته است. وی اظهار داشت: ایران پس از انقلاب اسلامی در مسیر صحیحی حرکت کرد و اکنون حرکت ملت‌های اسلامی نیز در مسیر صحیحی قرار گرفته است. نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین با اشاره به امکانات، پشتیبانی قدرت‌های سلطه‌گر و تجهیزات نظامی رژیم صهیونیستی گفت: نمی‌توان با مقاومتی محدود فلسطین را آزاد کرد، مساله فلسطین تنها متعلق به فلسطین نیست، بلکه مربوط به همه امت اسلامی است. در این نشست «محمدصادق الحسینی» کارشناس ارشد مسائل خاورمیانه نیز وضعیت ملت‌های جهان اسلام را ممتاز توصیف و اضافه کرد: ما روز به روز در حال پیشرفت هستیم و امکان تحقق پیروزی‌های جدید بر اثر تحولات منطقه نیز بسیار است. الحسینی با اشاره به تحولات منطقه گفت: جنگ در منطقه بین غربی‌ها و در رأس آن دولت آمریکا به عنوان یک قدرت امپریالیستی و از سوی دیگر مسلمانان منطقه و در صدر آن جمهوری اسلامی ایران است. کارشناس ارشد مسائل خاورمیانه تصریح کرد اگر انقلاب اسلامی، نشاندهنده‌های متعدد فلسطین، تجرکات مداوم ملت فلسطین و مقاومت اسلامی لبنان نبود، به هیچ‌وجه قیام‌های مردم منطقه به وقوع نمی‌پیوست.

۳- مکانیسم بیمار رأی‌دهی در نهاد‌های حقوق بشری سازمان ملل

مکانیسم رای دادن در نهاد‌های حقوق بشری، بیمار است. این موضوع در صدور قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد و سایر نهاد‌های بین‌المللی وابسته به این سازمان به وضوح قابل مشاهده است. بسیاری از کشورهایی که هیچ تأثیری در سطح بین‌المللی ندارند و اصطلاحاً به آنها کشورهای مینیاتوری گفته می‌شود، به دلایل متعدد از جمله رشوه یا تمکین یا راضی نگه داشتن مخالفان ایران، اقدام به رأی‌دهی علیه ایران درباره حقوق بشر می‌کنند. این در حالی است که این کشورها شاید اساساً شناخت صحیحی از مختصات ایران نداشته باشند، چه رسد به اینکه از وضعیت حقوق بشر کشور اطلاع داشته باشند. بنابراین یکی از مشکلات، مکانیسم رای‌دهی ملل متحد در این‌باره است.

دوم: چرا خاستگاه حقوق بشر موجود در حقوق بین‌الملل نامشروع است؟

درباره خاستگاه و نقطه عزیمت حقوق بشر موجود چه در حقوق بین‌الملل و چه مورد استفاده توسط سایر دولت‌های مدعی، باید تأکید کرد درباره «وضع، شرایط، کارگزاران و ساختار» حقوق بشر براحی می‌توان از عبارت «نامشروع بودن» استفاده کرد، چرا که تدوین و تنظیم میثاق حقوق بشر و کنوانسیون‌های وابسته به آن، مطابق ارزش‌ها، آداب و تجویزهای دستگاه نظری اومانیتیستی و لیبرال غرب انجام شده است نه ارزش‌ها و فرهنگ غیرغربی و همین موضوع ضربه بزرگی بر پیکره تندیس حقوق بشر از نگاه جهان غیرغربی وارد کرده است. به عبارت شفاف‌تر، خاستگاه حقوق بشر موجود در میثاق‌های بین‌المللی، کنوانسیون‌های حقوق بشری و سازمان‌های اجتماعی-فرهنگی که در



اشاره کرد به‌رغم تمام ادعاهایی که غرب درباره حقوق بشر مطرح می‌کند و با توجه به ابزاری نگاه کردن به آن (حقوق بشر) برای دستیابی به اهداف خود در جهت «قوام و دوام سلطه نظام سرمایه‌داری»، مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی، سبب شده است کشور ما اغلب در معرض اتهام و در مقام پاسخگویی قرار داشته باشد. تشریح دلایل داخلی و خارجی درباره مطرح شدن ادعای نقض حقوق بشر و پیگیری این ادعا در محافل بین‌المللی موضوعی است که باید با موشکافی تجزیه و تحلیل شود.

■ دلایل داخلی

۱- مخالفان جمهوری اسلامی در قامت «فعالان حقوق بشر» در توضیح دلایل داخلی ایجاد چالش علیه جمهوری اسلامی ایران، از یک‌طرف باید نگاهی به آنچه نقش به‌اصطلاح «فعالان حقوق بشر ایران» و

دی‌ماه ۵۶ در حالی که ۲ هفته از سرکوب قیام نوزدهم دی در قم گذشته بود و رژیم پهلوی قصد داشت با ایجاد اختناق، از گسترش نهضت جلوگیری کند، جمعی از روحانیون مبارز، نامه‌ای به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارسال و از اوضاع حاکم بر کشور، بشدت انتقاد کردند. در بخشی از این نامه با اشاره به شرایط جاری در ایران و دیدار «کارتی» رئیس‌جمهور وقت آمریکا با شاه آمده است: «در شرایطی که ملل مستضعف جهان، یکی پس از دیگری، آزادی و استقلال خویش را بازمی‌یابند و بندها و زنجیرهای اسارت و بردگی را یکی پس از دیگری پاره می‌کنند، حقوق ملت شریف ایران، پایمال اغراض شوم دودمان ننگین پهلوی شده و هر روز، زنجیر اسارت و بردگی را بر دست و پای ملت ما محکم‌تر ساخته‌اند. با کمال تأسف و تأثر، کارت،

رئیس‌جمهور آمریکا که خود را مرد صلح می‌داند و از انسان‌دوستی سخن می‌گوید، ۲۵ میلیون جمعیت باشرف و مسلمان را فدای شاه خائن و مزدور و نوکر بی‌قید و شرط خود می‌کند». در همین راستا رهبر انقلاب نیز در دیدار مردم قم در ۱۹ دی ماه سال ۹۲ فرمودند: «هرکس دیگری احم دربار حقوق بشر حرف بزند، آمریکایی‌ها حق ندارند درباره حقوق بشر حرف بزنند». در ادامه با توجه به بیانات فوق، به صورت موشکافی به تشریح رفتار دوگانه ایالات متحده آمریکا در قبال مسأله حقوق بشر می‌پردازیم.

چرا هر از گاهی غرب تلاش می‌کند با ایراد اتهامات حقوق بشری، ایران را تبدیل به یک کشور نامگذاری شده در حوزه حقوق بشر و سپس سرشنده در این عرصه تبدیل کند؟ دلیل این امر را احتمالاً باید در طرح‌های کلان غرب نسبت به ایران جست‌وجو کرد. طرح‌هایی که نشان از برنامه تغییر رفتار و رژیم ایران دارد. غرب به رهبری آمریکا در سال‌های گذشته برای تأثیرگذاری بر روند زندگی سیاسی در ایران و تأثیر بر نتیجه فرآیند سیاسی در کشور اعم از انتخابات‌ها در یک اقدام سازماندهی شده ۳ پروژه علیه جمهوری اسلامی ایران را کلید زد تا هم آنچه خود درباره ایران پیگیری می‌کرد یعنی «تغییر رفتار ایران» Change Of Behavior در تعقیب کند و هم پروژه ناتمام ۲۰۰۹ یعنی غائله بعد از انتخابات ۸۸ ایران برای رسیدن به «فرمانی مدنی» را به اتمام رساند، هم از این رو طی برنامه‌ریزی بلندمدت چند ساله تلاش کرد فشار علیه ایران را با ۳ مکانیسم «تحریم‌ها به دنبال پروژه هسته‌ای شدن ایران»، «حمایت از تروریسم» و «نقض حقوق بشر» به پیش برد، تا رفتار سیاسی مردم را تحت تأثیر قرار دهد.

آخرین پروژه سه‌سال‌های گذشته آمریکایی‌ها برای مهار ایران، موضوع «حقوق بشر» بوده است. یکی از چالش‌های مهم ایران در دیپلماسی در طول حیات خود، موضوع حقوق بشر بوده است. سواى اینکه حقوق بشر ادعایی غرب، نظام فلسفی-فکری آن و امپراتوری رسانه‌ای تحت تملک غرب چیست و چگونه مطالبات، نیازها و اولویت‌های سایر کشورهای جهان غیرغربی در هنگام وضع آن نادیده گرفته شده است، آنچه به‌عنوان ابزاری برای فشار علیه ایران مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد، ادعای «نقض حقوق بشر» توسط جمهوری اسلامی است. این سه پروژه برنامه‌ریزی شده بود و طی ۳ دهه، بیشترین فشار تبلیغاتی و عملیاتی چه از سوی دولت‌های معارض و چه از سوی سازمان‌های بین‌المللی تحت نفوذ این دولت‌ها علیه ایران اعمال شده و می‌شود.

نخست: به چه دلایلی، ایران متهم به نقض حقوق بشر شد؟

درباره طرح ادعاهای نقض حقوق بشر توسط ایران، باید